

تشنه درک حضور

براون دیباچهٔ منثور دفتر اول مثنوی را ترجمه کرد و شاگردش نیکلسن تصحیح و شرح و ترجمه مثنوی را به انگلیسی صورت داد و در حقیقت عمر خود را وقف مولانا کرد. کوشش بعدی توسط آرتور جان آربری، مترجم قرآن به زبان انگلیسی صورت گرفت. او فیه ما فیه، گلچینی از رباعیات مولانا، دوپست حکایت از مثنوی و چهارصد غزل مولانا را به انگلیسی درآورد.

در غرب بیش از همه مولانا در جهان آلمانی زبان، دل از مردم مغرب زمین ربود. در زبان آلمانی با دو دسته از مولوی شناسان مواجهیم، کسانی که به تحقیق دربارهٔ مولانا و افکار و آراء او پرداختند و کسانی که آثار او را ترجمه کردند. از نخستین افرادی که به مولانا توجه کردند می‌توان به هامر پورگشتال و فردریش روکرت اشاره کرد که با ترجمه آثار مولانا رویکردی نسبت به او در جهان آلمانی ایجاد کردند و بعدها این مسیر از سوی پژوهشگرانی چوت هلموت ریتز، فریتس مایر، آنماری شیمل پی گرفته شد. گوته، فون پلاتن، سیروس آتابای و در این اواخر ژیسلاوند نیز گزیده‌ای از داستان‌های مثنوی را به آلمانی ترجمه کرد. در فرانسه اقبال به مولانا همانند آلمان نبوده است و از اواخر قرن هجدهم ترجمه و شرح مثنوی در فرانسه آغاز شد اما هرگز به چاپ نرسید. چرا که در فرانسه به واسطهٔ حضور لویی ماسینیون نگاه‌ها معطوف به حلاج بود، حتی هانری کوربن هم که به عرفان اسلامی توجه داشت، بیشتر به سهروردی پرداخت. پل نويا تحقیقاتی دربارهٔ عرفان دارد و نگاه مختصری به آراء مولانا. اما مولانا به اندازه‌ای که در کشورهای آلمانی، انگلیسی و فرانسوی زبان مشهور است در ایتالیا شهرت ندارد. آثار مولانا به زبان‌های مختلف مانند اسپانیولی، یونانی، لهستانی، چک، روسی، عربی، بنگالی، بوسنیایی، چینی، تای (تایلندی)، آلبانی، سوئدی، رومانیایی و... نیز ترجمه شده است. می‌توان اشاره کرد که بیشتر مردم دنیا با نام مولوی و برخی از آثار او آشنايند. نفوذ مولانا در جهان

کولمن بارکس (Coleman Barks) شاعر امریکایی و مترجم اشعار مولوی می‌گوید: «من نمی‌دانستم چنین فرهنگ شعرپوری در دنیا وجود دارد. این کشف البته نشانگر بخشی از بی‌اطلاعی ما امریکایی‌ها و در کل در میان غربی‌ها در مورد فرهنگ اسلامی است. این وضعیتی دیرینه و فراگیر بوده است. من هر جا که فرصتی دست داده است به این بی‌اطلاعی، چه در حد شخص خودم و چه میان همه امریکایی‌ها، اقرار کرده‌ام. مولانا در طول ده سال گذشته پر خواننده‌ترین شاعر در ایالات متحده بوده است. فقط از ترجمه‌های خود من بیش از نیم میلیون نسخه به فروش رسیده است. اما من این احساس را دارم که تبلور حس حضور انسانی روشن ضمیر، شفیق، شاد، بسیار شفاف، بخرد و به راستی مهربان پشت این اشعار است که چنین اقبالی را موجب شده است. من به افغانی‌ها گفتم ما در ایالات متحده تشنهٔ درک حضور افرادی هستیم که صوفیان آن را «انسان کامل» خطاب می‌کنند. ما مولانا و شمس تبریزی را نمونهٔ چنین افرادی یافته‌ایم». (تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی، ایرج افشار، بخارا، شمارهٔ ۴۲، صفحه ۱۳۹).

بی‌شک مولوی یکی از محبوب‌ترین شاعران جهان اسلام است که گسترهٔ نفوذ فکری او از بوسنی تا بنگال را در بر گرفته است. امروز پس از گذشت هشتصد سال از تولد مولانا و انتشار صدها کتاب و مقاله دربارهٔ او به زبان‌های مختلف دنیا، محبوبیت نوینی برای مولوی در غرب ایجاد شده است. آغاز آشنایی غرب با مولانا به بیش از دوپست سال باز نمی‌گردد. سر ویلیام جونز که اغلب کشف وجود ارتباط ساختاری و لغوی بین زبان‌های هند و اروپایی را به او نسبت می‌دهند با ترجمه‌هایی که در سال‌های دههٔ ۱۷۷۰ از فارسی به انگلیسی صورت داد، تحسین و توجه خوانندگان را در سراسر اروپا نسبت به زیبایی شعر فارسی برانگیخت و این امر سبب شد زبان فارسی در صف مقدم مطالعات شرق‌شناسی بریتانیا قرار بگیرد. پس از او در جهان انگلیسی‌زبان، ادوارد



مولانا اثر مرتضی ممیز

که برابر با هشتصدمین سال تولد مولاناست برنامه‌های مختلفی را طراحی نمایند تا ایرانیان در این زمینه در جهان پیشگام باشند. بخش عظیمی از میراث معنوی فرهنگ و تمدن جهان ایرانی در آثار مولوی نهفته است و تحقیق در آثار مولوی به ویژه در مثنوی معنوی و غزلیات دیوان شمس این شاعر آسمانی، نه تنها در مراکز علمی و فرهنگی ایران مایه دلمشغولی هزاران تن از جویندگان معنویت شده است، بلکه هر روز هزاران تن از تشنگان در چهار سوی پنج قاره جهان، با مراجعه به آثار این شاعر و عارف ایرانی، در پی یافتن پاسخ پرسش‌های معنوی خویش اند، اینکه هر روز طرفداران مولوی در جهان با قرائت آثار ترجمه شده مولوی به زبان‌های مختلف، خود را با همدلان ایرانی خویش پیوند می‌زنند، مسئولیت ایران را به عنوان میراث دار مولوی در جهان دو چندان کرده و تأسیس مرکز و بنیادی با نام مولوی با هدف هدایت و ساماندهی مولوی‌پژوهی در ایران و جهان، امری ضروری است.

کتاب ماه ادبیات و فلسفه در سال‌های گذشته، اهتمام به بزرگداشت مشاهیر ادب و اندیشه ایران زمین را سرلوحه اساسی فعالیت‌های خود قرار داده است و برگزاری همایش‌ها و نشست‌های مختلف و چاپ مقالات متعدد در نشریه، گواه این مدعاست. هم چنین انتشار ویژه نامه حاضر در نکوداشت مولانا و اقتراح در باب زندگی و اندیشه و آثار او هم رودی دیگر در طراوت این نهال نوپای توجه مجدد است. این ویژه نامه شامل میزگرد، گفت‌وگو، پاسخ به اقتراح و مقالات تحقیقی در باب مولاناست که به یاری استادان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به مولانا فراهم آمده است. در اینجا از تمام کسانی که در انتشار این ویژه نامه همراهی کرده‌اند به ویژه از دوست دانشورم دکتر مهدی محبتی که در این راه همدل و همراه اصلی بوده‌است قدردانی می‌کنم.

انگلیسی زبان از دیگر زبان‌ها گسترده‌تر بوده و در قرن بیستم توجه بیشتری به مولانا شده است. در دو دهه گذشته افرادی چون کولمن بارکس، جانانان استار، شهرام شیوا، دیپک چوپرا، هلمینسکی، ویلیام چیتیک و فرانکلین لوئیس در شناخت مولانا در میان آمریکاییان بسیار تأثیر گذار بودند.

تأثیر مولوی بر تصوف و فرهنگ مسلمانان در ایران و کشورهای فارسی زبان نیز غیر قابل انکار است و همه عارفان پس از مولانا که توانایی خواندن آثار فارسی را داشته‌اند، به پیشوایی بلامنزع او اقرار کرده‌اند.

ایرانیان باید توجه بیشتری به میراث معنوی مولانا داشته باشند زیرا مولوی بیشترین دل‌ها و دیده‌ها را در این سرزمین از آن خود ساخته است. لازم است که هر سال در روز بزرگداشت مولانا به بررسی کارنامه مولوی‌پژوهی از حیث کمی و کیفی بپردازیم و به خلأهای پژوهشی خود پی ببریم. ما در آستانه هشتصدمین سال تولد مولانا قرار داریم و لازم است که نهادهای علمی و فرهنگی و مولوی‌دوستان برای سال ۲۰۰۷



مولانا اثر مرتضی ممیز

که برابر با هشتصدمین سال تولد مولاناست برنامه‌های مختلفی را طراحی نمایند تا ایرانیان در این زمینه در جهان پیشگام باشند. بخش عظیمی از میراث معنوی فرهنگ و تمدن جهان ایرانی در آثار مولوی نهفته است و تحقیق در آثار مولوی به ویژه در مثنوی معنوی و غزلیات دیوان شمس این شاعر آسمانی، نه تنها در مراکز علمی و فرهنگی ایران مایه دلمشغولی هزاران تن از جویندگان معنویت شده است، بلکه هر روز هزاران تن از تشنگان در چهار سوی پنج قاره جهان، با مراجعه به آثار این شاعر و عارف ایرانی، در پی یافتن پاسخ پرسش‌های معنوی خویش اند، اینکه هر روز طرفداران مولوی در جهان با قرائت آثار ترجمه شده مولوی به زبان‌های مختلف، خود را با همدلان ایرانی خویش پیوند می‌زنند، مسئولیت ایران را به عنوان میراث دار مولوی در جهان دو چندان کرده و تأسیس مرکز و بنیادی با نام مولوی با هدف هدایت و ساماندهی مولوی‌پژوهی در ایران و جهان، امری ضروری است.

کتاب ماه ادبیات و فلسفه در سال‌های گذشته، اهتمام به بزرگداشت مشاهیر ادب و اندیشه ایران زمین را سرلوحه اساسی فعالیت‌های خود قرار داده است و برگزاری همایش‌ها و نشست‌های مختلف و چاپ مقالات متعدد در نشریه، گواه این مدعاست. هم چنین انتشار ویژه نامه حاضر در نکوداشت مولانا و اقتراح در باب زندگی و اندیشه و آثار او هم رودی دیگر در طراوت این نهال نوپای توجه مجدد است. این ویژه نامه شامل میزگرد، گفت‌وگو، پاسخ به اقتراح و مقالات تحقیقی در باب مولاناست که به یاری استادان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به مولانا فراهم آمده است. در اینجا از تمام کسانی که در انتشار این ویژه نامه همراهی کرده‌اند به ویژه از دوست دانشورم دکتر مهدی محبتی که در این راه همدل و همراه اصلی بوده‌است قدردانی می‌کنم.

انگلیسی زبان از دیگر زبان‌ها گسترده‌تر بوده و در قرن بیستم توجه بیشتری به مولانا شده است. در دو دهه گذشته افرادی چون کولمن بارکس، جانانان استار، شهرام شیوا، دیپک چوپرا، هلمینسکی، ویلیام چیتیک و فرانکلین لوئیس در شناخت مولانا در میان آمریکاییان بسیار تأثیر گذار بودند.

تأثیر مولوی بر تصوف و فرهنگ مسلمانان در ایران و کشورهای فارسی زبان نیز غیر قابل انکار است و همه عارفان پس از مولانا که توانایی خواندن آثار فارسی را داشته‌اند، به پیشوایی بلامنزع او اقرار کرده‌اند.

ایرانیان باید توجه بیشتری به میراث معنوی مولانا داشته باشند زیرا مولوی بیشترین دل‌ها و دیده‌ها را در این سرزمین از آن خود ساخته است. لازم است که هر سال در روز بزرگداشت مولانا به بررسی کارنامه مولوی‌پژوهی از حیث کمی و کیفی بپردازیم و به خلأهای پژوهشی خود پی ببریم. ما در آستانه هشتصدمین سال تولد مولانا قرار داریم و لازم است که نهادهای علمی و فرهنگی و مولوی‌دوستان برای سال ۲۰۰۷